

مسائل مستحدثه قضا (جلسه ۱۳) شنبه ۱۴۰۲/۰۷/۲۲

بررسی فقهی قانون تجارت؛ افلاس شرکت، حکم حفظ و نگهداری سوء سابقه،
بررسی روایات

حکم حفظ و نگهداری سوء سابقه

بحث درباره این است که آیا می‌توان ورشکستگی شخص یا شرکت را به‌عنوان سوء سابقه، ثبت و ضبط کرد؟ شبیه این مسئله پرونده‌هایی است که در دادگاه یا وزارت اطلاعات ثبت و ضبط می‌کنند و در مواقعی مانند انتخابات و نظیر آن، از آن استفاده می‌کنند.

در پرونده‌های اخلاقی، نگهداری اسناد منکرات دیگران جایز نیست چون نوعی اشاعه فحشا است یا در مواردی موضوع منتفی است مثلاً مرتکب آن مرده است؛ اما در غیر منکرات مثلاً ورشکستگی، آیا باید ثبت و ضبط شود یا باید امحاء بشود؟

در روایات کلمه تعبیر به‌کاررفته است. هرکسی که لغزش دیگری را ثبت و ضبط کند و او را تعبیر کند. در مصباح المنیر کلمه تعبیر به معنای تحقیر یا فحش یا سب، در تجارت هم به‌کاررفته است. مثلاً فلانی در تجارت، شترهایش کم است یا شترش شیر نمی‌دهد. این را تعبیر حساب می‌کنند. روایات می‌فرمایند تعبیر حرام است و تعبیر در امور مالی به کار می‌رود.

عنوان باب ۱۵۰ از أَبْوَابِ أَحْكَامِ الْعِشْرَةِ فِي السَّفَرِ وَ الْحَضَرِ چنین است: «بَابُ تَحْرِيمِ إِحْصَاءِ عَثْرَاتِ الْمُؤْمِنِ وَ عَوْرَاتِهِ لِأَجْلِ تَغْيِيرِهِ بِهَا». (وسائل الشیعه ج ۱۲ ص ۲۷۴ باب ۱۵۰ از ابواب احکام العشره)

بهترین مصداق این روایات این است که کسی در روزنامه درباره دیگری، چیزی بخواند و آن را نگهداری کند تا بعداً علیه او استفاده کند.

حدیث اول: مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنِ ابْنِ فَضَالٍ عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: أَبْعَدُ مَا يَكُونُ الْعَبْدُ مِنَ اللَّهِ أَنْ يَكُونَ الرَّجُلُ يُوَخِي الرَّجُلَ وَ هُوَ يَحْفَظُ زَلَّاتِهِ فَيَعِيرُهُ بِهَا يَوْمًا مَا.

عده از بزرگان و مشایخ‌اند. احمد بن محمد بن خالد برقی از حسن بن علی بن فضال نقل کرده است و ابن فضال تمام عمر فطحی بود و در آخر عمر توبه کرد و آدم خوبی بوده است و

روایاتش مقبول است. عبدالله بن بکیر فطحی است ولی روایاتش موثق است. روایت موثقه است.

این حدیث می‌گوید بیشترین فاصله انسان با خدا، هنگام تعبیر مؤمن و نگهداری سوءسابقه اوست. این روایت به‌تنهایی دلالت بر حرمت نمی‌کند اما به قرینه اینکه عین این تعبیر در روایات دیگر آمده است اما آن را عملی مساوی با کفر دانسته‌اند دلالت بر حرمت می‌کند.

حدیث دوم: وَ عَنْهُمْ عَنْ أَحْمَدَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ بُكَيْرٍ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِنَّ أَقْرَبَ مَا يَكُونُ الْعَبْدُ إِلَى الْكُفْرِ أَنْ يُوَاخِيَ الرَّجُلُ الرَّجُلَ عَلَى الدِّينِ فَيُحْصِي عَلَيْهِ زَلَّاتِهِ لِيَعْنِفَهُ بِهَا يَوْمًا مَّا.

عنهم یعنی عده من اصحابنا. احمد یعنی احمد بن محمد بن خالد برقی. علی بن حکم از بزرگان است. عبدالله بن بکیر و زراره هم از بزرگان هستند.

احتمال دارد که این دو حدیث یکی باشند باینکه یکی از امام باقر و دیگری از امام صادق علیهما السلام نقل شده است؛ اما چون راویان حدیث یکی است احتمال دارد یکی باشد زیرا می‌توان حدیث امامی را از امام دیگر نقل نمود.

این حدیث سندهای دیگری هم دارد که بدون راوی فطحی نیست.

حدیث سوم: وَ عَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ التُّعْمَانِ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ: يَا مَعْشَرَ مَنْ أَسْلَمَ بِلِسَانِهِ وَ لَمْ يُخْلِصِ الْإِيمَانَ إِلَى قَلْبِهِ لَا تَدْمُوا الْمُسْلِمِينَ وَ لَا تَتَّبِعُوا عَوْرَاتِهِمْ فَإِنَّهُ مَنْ تَتَّبَعَ عَوْرَاتِهِمْ تَتَّبَعَ اللَّهُ عَوْرَتَهُ وَ مَنْ تَتَّبَعَ اللَّهُ عَوْرَتَهُ يَفْضَحْهُ وَ لَوْ فِي بَيْتِهِ.

عنه یعنی محمد بن یحیی. احمد یعنی احمد بن محمد بن عیسی. علی بن نعمان موثق است. اسحاق بن عمار فطحی است، البته بحث او مفصل گذشته است و در فطحی بودن او تردید کردیم. سند حدیث معتبر است. این حدیث پنج سند دیگر هم دارد.

این حدیث دلالت دارد بر اینکه جستجو و مطالعه و تحقیق درباره لغزش‌های دیگران حرام است و نوعی از تتبع عورات مؤمنین، در تجارت است.

فراوان از پیامبر نقل شده است: الدین نصیحة. نصیحت یعنی خیرخواهی. کسی که عیب دیگری را ثبت و ضبط می‌کند که روزی علیه او استفاده کند، خیرخواه نیست. کسی عرض کرد: خیرخواهی برای چه کسی؟ فرمود: خیرخواهی برای خدا و رسول و ائمه مسلمین و همه

مسلمانان. خیرخواهی آن است که منفعت او را در نظر بگیرد نه اینکه بگوید سابقه خوبی در تجارت ندارد و نباید کسی با او معامله کند. حدود صد روایت با این مضمون نقل شده است.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: الدِّينُ نَصِيحَةٌ قِيلَ لِمَنْ يَا رَسُولَ اللَّهِ، قَالَ لِلَّهِ وَ لِرَسُولِهِ وَ لِأَيِّمَةِ الدِّينِ وَ لِجَمَاعَةِ الْمُسْلِمِينَ». (وسائل الشيعة ج ١٦ ص ٣٨٢ ح ٧ باب ٣٥ از ابواب فعل المعروف)

سند این حدیث ضعیف است ولی مطلب آن مشکلی ندارد. سند حدیث چنین است: الْحَسَنُ بْنُ مُحَمَّدٍ الطُّوسِيُّ فِي مَجَالِسِهِ (پسر شیخ طوسی که معروف به مفید ثانی است) عَنْ أَبِيهِ عَنْ الْمُفِيدِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ خَالِدِ الْمَرَاغِيِّ (که معروف به ابوالحسن قلانسی و سنی است و در بغداد زندگی می کرده است ولی شیخ مفید به او اعتماد نموده و این می تواند دلیل بر وثاقت او باشد) عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مَاهَانَ (در رجال اسمی از او نیامده است و مجهول است) عَنْ زَكْرِيَّا بْنِ يَحْيَى (تمیمی و موثق است) عَنْ بُنْدَارِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ (در رجال شیعه نیست و در رجال سنی هم معمولاً اسمی از او ذکر نشده است) عَنْ سُفْيَانَ بْنِ الْجَرَّاحِ (مجهول است و در رجال ذکر نشده است) عَنْ عَطَاءِ بْنِ يَزِيدَ (در تهذیب الکمال ج ٢٠ ص ١٢١ شرح حالی از او آمده است ولی سنی است) عَنْ تَمِيمِ الدَّارِيِّ. تمیم الداری یعنی ابو رقیه که از اصحاب رسول خداست و آدم خوبی بوده است و اولین کسی است که در مسجد، چراغ روشن کرد و بسیار اهل نماز شب و تهجد و قرائت قرآن بوده است و در موثق بودن او شکی نیست.

تمیم الداری خصوصیتی دارد که رسول خدا از او حدیث نقل کرده است و به آن حدیث اکابر از اصاغر می گویند. این حدیث معروف به حدیث جسّاسه است که در صحیح مسلم نقل شده است و معمولاً برای احادیث موضوعه به این حدیث مثال می زنند.